درخواست حذف ستاره ترامپ از پیاده‌روی مشاهیر

شورای شهر وست هالیوود گفت وقت این رسیده که ستاره دونالد ترامپ از پیاده‌روی مشاهیر حذف شود. کمتر از دو هفته پیش ستاره ترامپ برای بار دوم و این بار به طور کامل تخریب شد و یک مرد ۲۴ ساله بلافاصله خودش را به پلیس تسلیم کرد و گفت مسبب این امر بوده است. اکنون شورای شهر وست هالیوود بحثی را با شورای شهر لس‌آنجلس شروع کرده تا در این باره تصمیم بگیرد.

ترامپ این ستاره را در بلوار هالیوود در سال ۲۰۰۷ برای مشارکتش در صنعت سرگرمی کسب کرد. او تهیه‌کننده و مجری یک برنامه تلویزیونی برای کارآفرینی بود. این ستاره یک بار در اکتبر ۲۰۱۶ و با فاصله چند روز از انتخابات ریاست جمهوری تخریب شده بود.

رؤیا میرعلمی بازیگر «مرگ خاموش» شد

تصویربرداری سریال «مرگ خاموش» این روزها در تهران مشغول انجام است. ابوالفضل صفری تهیه کننده این سریال در خصوص بازیگران جدید این مجموعه تلویزیونی گفت: بعد از پیوستن سعید راد و حمید عطایی، رؤیا میرعلمی به عنوان بازیگر جدید به این مجموعه تلویزیونی اضافه شده است. تصویربرداری تا تابستان سال آینده ادامه خواهد داشت و مراحل فنی از جمله تدوین اولیه و جلوه‌های ویژه کار همزمان در حال انجام است.

سریال «مرگ خاموش» با بازی سعید راد در نقش محوری قهرمان و مأمور امنیتی مقابل دوربین رفته است و سعید راد، علیرضا جلالی تبار، حمید عطایی و... از بازیگرانی هستند که تا به حال مقابل دوربین معظمی قرار گرفته‌اند و به موضوع مواد مخدر می‌پردازد.

یادداشت

نگاهی به نمایش «هاراگیری»

باورهای امروزی در ورطه نقد

کیارش وفایی
منتقد تئاتر

جهان اکنون که ما در آن زیست می‌کنیم، خواسته یا ناخواسته برگرفته از خاصیت‌های مدرنیته است و هر عنوانی در اینجا با قاعده و اصولی همراه است که نه تنها روح زندگی ندارد؛ بلکه درون و بیرونی زشت و بی قواره را به رخ کشیده است. اما در این میان پادزهری که وجود دارد، درون انسان است که سرچشمه از ذاتی پاک و بی‌پیرایه را شامل می‌شود که هر لحظه می‌تواند به دلیل رویارویی با پدیده‌ای تغییر جهت بدهد. مسیری که در آن به طور حتم عناصر خیر و شر از ملزومات آن به حساب می‌آید و ممکن است هر انسانی نسبت به هر کدام از آنها که باب طبعش باشد، واکنش نشان داده و به راه جدیدی برود. حال در این میان تغییر باور بر اساس شرایط بیرونی حاصل می‌شود که در نهایت محیطی را فراهم می‌آورد تا آن ذات پاک با تعریفی نو به ذات دیگری مبدل شود؛ لذا با این دانسته باید گفت تاثیرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و البته اقتصادی این لازمه را پیش می‌آورد تا قدرت تغییر ذائقه یک عنوان بیرونی جایگاهش را برای اشرف مخلوقات مشخص کند. البته این رویکرد مختص به تاریخ، جغرافیا و جامعه خاصی نیست و سیال در این کره خاکی است. بنابراین ضرورت ملاک و تشخیص هر انسان در این روزگار امری حیاتی بوده و تا ابد ادامه خواهد داشت.

نمایش «هاراگیری» از جمله نمایش‌هایی است که بسیار تحت تأثیر باورها و روابط انسانی پیش می‌رود؛ به طوری که همه چیز را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. شرایطی که تلاش دارد تا اوضاع و احوال را به صورت لایه به لایه در نمایش مورد بررسی قرار دهد تا از آن طریق به هسته مرکزی اتفاق برسد. حال این در میان جهان متن فضایی را برای شخصیت‌ها فراهم می‌کند تا بیشتر از آنکه آنها مشغول واکاوی درون خود شوند، از حس برون‌ریزی برای اشاره به تاثیرات پیرامونشان استفاده کنند. البته هر کدام از این شخصیت‌ها به نوعی برشی از زندگی خود را در میان هیاهوی مدرنیته فراگیر برای مخاطب شرح می‌دهند؛ لذا درونمایه این اثر بر اساس روایتی مدرن بنا نهاده شده تا بتواند زمان گذشته و حال را با بروز رفتار و باورهای امروزی به ورطه نقد بکشاند. البته این جنبه نقادانه در جهت تعیین مسیر و مشخص کردن راه و روش برای متحول شدن طراحی نشده؛ بلکه این تمهید تلاش دارد تا شرایط اکنون را به مخاطب گوشزد کند. حال در این میان فرم به عنوان راهکاری مناسب به شکل موازی با محتوا پیش می‌رود تا مفهوم اصلی شکل و کالبد درستی را نمایان سازد؛ زیرا در هر اپیزود هدف آن است که مخاطب در زمان‌هایی بر اساس شرایط جامعه کنونی از زاویه خارجی به درون خود نگاه اندازد تا کشف و شهودی عینی برایش رخ بدهد. حال در ساختار بصری نمایش لزوم طراحی قاب بندی‌های متنوع نیز یکی دیگر از راهکارهایی بوده که اهمیت موضوع هر اپیزود را بر مبنای محتوا و فرمی که به آن تزریق شده مشخص می‌کند. لذا ترتیب دادن موقعیت‌های مختلف برای برون‌ریزی شخصیت‌ها عملی کاربردی جهت شکل گیری روابط و واکنش‌های طراحی شده برمبنای استدلال ذهنی نویسنده و کارگردان است. در واقع جهان متن بیانیه امروزی است که در آن صدای اعتراض، همیاری، صلح، نوع دوستی، خودکشی و البته تذکر نسبت به تغییر رفتار به گوش می‌رسد؛ لذا اهمیت تولید یک اثر اجتماعی برگرفته از مواردی است که به آنها اشاره شده است که نویسنده جهان متن خود را با انتخاب آنها پایه گذاری کرده تا بتواند میزانسن‌های قابل دفاعی را نسبت به محتوا ارائه بدهد. نمایش «هاراگیری» در واقع آینه‌ای تمام نما از اجتماعی است که روزانه خرده داستان‌های زیادی را برای مردم آن جامعه تعریف می‌کند که در آن روایت‌ها افراط و تفریط موج می‌زند؛ اما تصمیم برای تغییر یافتن، اندک مجالی برای خودنمایی دارد.

قاسم آهنین‌جان از شوریدگی‌هایش می‌گوید

از فیگور آتلیه‌ای در شعر پرهیز کردم



عکس: کافه‌سینما

اسم آهنین‌جان را به شوریدگی‌ها و شعرهایش می‌شناسیم؛ شاعری که روی کاغذ نسب به «شعر دیگر» و «شعر ناب» می‌برد و البته حالا که با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم، از چند و چون این نسبت‌ها گفته و شنیده‌ایم؛ آن‌چنان که می‌توان در ساز و کار این نسبت تردیدهایی را مطرح کرد و حتی به انکار هم رسید. آهنین‌جان حالا در ۶۰ سالگی، همه شعرهایش و همه کتاب‌های شعرش را در یک جلد منتشر شده می‌بیند؛ "مجموعه اشعار"... این عنوان پرطمطراق را اغلب درباره کتاب شاعرانی به کار برده‌ایم که استخوان ترکانده‌اند و حالا به قدری از کسوت رسیده‌اند که "کلیات"شان درآمده باشد. به بهانه انتشار همین کتاب در نشر افراز، با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

یادم هست یک بار می‌گفتید از وقتی که به صورت عملی مشغول نوشتن شعر شدید، از این که خودتان را شاعر شعر نابی بنامید، اجتناب می‌کردید. با این حال در اغلب آنتولوژی‌ها و تاریخ‌نگاری‌های ادبیات معاصر، شما را در کنار شاعران شعرِ ناب می‌نشانند. یعنی این نسبت، صرفاً نسبتی محفلی بوده است؟ فقط به خاطر دوستی شما با شاعران شعر ناب، شما را در زمره شعر ناب در حساب آورده‌اند و به لحاظ بوطیقا هیچ نسبتی با این گونه شعری ندارید؟

خب قطعاً خودم را شاعر شعر ناب نمی‌دانم و چرایش این است که من پیش از این هم گفته‌ام که پیش از آشنایی با سیروس رادمنش با شعر شاملو و نیما آشنا بودم و حالا این نام‌ها را اضافه می‌کنم: من با فروغ و نصرت رحمانی و یدالله رؤیایی و آتشی و اخوان ثالث و... هم آشنا بودم، علاوه بر اینها با آثار بودلر و آلن پو، والت ویتمن، لورکا و شاعران عرب مثل محمود درویش و نزار قبانی هم آشنا بودم و همچنین شعر کلاسیک خودمان. دیدار من و رادمنش این حسن را داشت که من با نام بیژن الهی آشنا شوم، همین. آن موقع من شعر می‌گفتم و شعر را می‌شناختم و حقیقت که بگویم موج ناب را هرگز نپذیرفتم. حالا یا واقعاً آش دهان‌سوزی نبود یا مشکل در سلیقه من بود. ولی چون اینان اهل خوزستان بودند، ما رفاقت و دیدارها داشتیم؛ اما من در رفتارهایم همیشه سعی در ارائه چهره خودم داشتم نه فیگور و پوزیشن‌های تکراری و آتلیه‌ای کپک‌زده و طبعاً در شعر هم همین‌طور. امروز به ضرس قاطع می‌گویم برای این هویت و چهره شخصی نیم‌قرن بها داده‌ام، تاوان داده‌ام: زندگی‌ام را، تمام زندگی‌ام را. من با بک گراند خودم وارد شعر شدم در حالی که همه می‌دانند در موج ناب بودند کسانی که در تمام عمرشان نه لحظه‌ای شاعرانه زیستند و نه حتی وقتی هزینه کردند که بنشینند و یک جلد کتاب بخوانند. با سرقت آثار دیگران آغاز به مثلاً شاعری کردند و دفتر لاغر و لنتوری منتشر کردند با پول خودشان و بعد هم با گول و فریب یک عمر عنوان شاعری یدک کشیدند. من اگر بر نام رادمنش تاکید می‌کنم فقط به این دلیل است که حق‌شناس باشم و اصل معرفت به جای آورم؛ اگر نه من در شاعری فقط و فقط مدیون رنج خویش هستم و البته سپاسگزار از همه آنان هستم که تجربیاتشان بر من مؤثر بود؛ مثل بیژن الهی، محمود شجاعی و دوست عزیزم هرمز علیپور و هوشنگ چالنگی که در آغاز شاعری به تمایل من سرعت و امید دادند. اما من هرگز تمایل به موج ناب نداشتم و مورد علاقه‌ام نبوده. نه تکنیک در این موج مرا درگیر کرد و نه کشف‌های زبانی و مضمونی. خب من که نمی‌توانم خودم داد و هوار راه بیندازم که من چگونه شاعری هستم و سمت و سو و تمایلم مثلاً به آرتور رمبو است و تی.اس الیوت، نه فلانی و فلانی و فلانی. من چهره‌ام آنقدر زخم دارد که حاضر نیستم خود را در آینه‌ای پرخط و خراش، ناهنجارتر تماشا کنم. نه من هیچ‌وقت شاعر موج ناب نبودم و نیستم و اگر چنین حرفی درباب من گفته‌اند، قطعا حرف درستی نیست و مبنای وقوف و درک درستی نداشته از جانب گوینده و خب چه باید کرد؛ مردم دوست دارند حرف بزنند و در دهانشان را هم که نمی‌شود بست.

اولین کتاب شعرتان با عنوان "ذکر خواب‌های بلوط" در سال ۱۳۷۴ منتشر شد و حالا هم در کتاب کلیاتتان به عنوان دفتر اول آمده. پیش از "ذکر خواب‌های بلوط" که در سری "حلقه نیلوفری" انتشارات نوید شیراز منتشر شد، فقط مجموعه شعری از هرمز علیپور به عنوان شاعر جنوبی شعر ناب منتشر شده بود. اما بعد از مجموعه شعر هرمز علیپور، کتاب شما و یکی دو کتاب دیگری که منتشر شد، حلقه نیلوفری به نوعی پایگاه شعر ناب می‌شود. شاپور بنیاد باعث و بانی این اتفاق شد؟ بنیاد آدمی بود که آگاه به این جنس از شعر باشد و بخواهد حلقه نیلوفری را به پایگاه شعر ناب تبدیل کند؟

نه. چون ایشان نه شعری از سیروس رادمنش خوانده بود، نه از بنده و نه دیگران. تنها کسی را که می‌شناخت، هرمز علیپور بود. شاپور بنیاد بعد از حلقه نیلوفری کم‌کم به سیروس رادمنش و هوشنگ چالنگی وقوف پیدا کرد. من کتابی به نام "هوش سبز" از شاپور جورکش خریدم که از همین سری بود و دیدم کتاب متفاوتی است. از شناسنامه آن کتاب یک شماره تلفن پیدا کردم و به انتشارات نوید شیراز زنگ زدم و به شاپور بنیاد گفتم که دوست دارم شما برای من کتاب چاپ کنید. شاپور گفت دست من تنها نیست؛ ولی شما کتاب را بفرستید تا ببینیم چه می‌شود. در واقع یک دروغ تاکتیکی و حرفه‌ای گفت! گفت این‌جا یک شورا داریم و گروهی تصمیم می‌گیریم، در حالی که شورایی وجود نداشت. خودش بعداً این‌ها را برایم توضیح داد. من ۴۰ روز بعد زنگ زدم که دیدم ایشان خیلی خوشحال و گرم با من صحبت می‌کند؛ طوری که انگار از قدیم من را می‌شناسد. گفت که کتابت پذیرفته شد و خیلی هم عالی است و تو هیچ محدودیتی برای تعداد صفحه و دیگر موارد هم نداری. حتی گفت اگر باز هم کتاب آماده انتشار داری برایم بفرست که من گفتم نه همین است. بعد کتاب برای چاپ رفت که ۷ سال طول کشید تا بیرون بیاید. آن موقع شرایط سخت‌تر از الان بود؛ دچار مشکل کاغذ بودیم و گرفتن مجوز انتشار هم خیلی طول می‌کشید. شاید یکی دیگر از دلایلش هم این بود که من آدمی نبودم که فشار بیاورم. در حالی که می‌دانم خیلی آدم‌ها بعد از من آمدند و کتاب‌شان با رابطه‌ها و تعارف‌ها در کمتر از ۲ سال چاپ شد.

> من با بک گراند خودم وارد شعر شدم؛ در حالی که همه می‌دانند در موج ناب بودند. کسانی که در تمام عمرشان نه لحظه‌ای شاعرانه زیستند و نه حتی وقتی هزینه کردند که بنشینند و یک جلد کتاب بخوانند

در یکی دو سال اخیر، گزارش‌هایی هم برای نشریه "شبکه آفتاب" نوشته‌اید که فرم تازه‌ای از گزارش یا روایت غیرداستانی است. به بیژن جلالی پرداختید، به بیژن الهی و به دیگران. درباره این تجربه تازه بگویید.

من زمانی شروع به نوشتن خاطرات، علاقه، درک و فهمم از موقعیت آثار ادبی و صاحبان آن آثار کردم. این شاعران، بیژن الهی، نصرت رحمانی، محمدعلی سپانلو، قاسم هاشمی‌نژاد، احمد محمود، منوچهر آتشی، بیژن جلالی، شاپور بنیاد و هوشنگ بادیه‌نشین هستند. در این نوشته‌ها فقط از خودم نگفته‌ام و حتی صرفاً به آثار مکتوب آن‌ها هم رجوع نکرده‌ام. یعنی مثلاً برای نوشتن گزارش بیژن جلالی، با بهاءالدین خرمشاهی، مفتون امینی، کامران فانی و محمد بهارلو مفصل گفت‌وگو کردم و این‌ها درباره جلالی هر چه را به نظرشان می‌آمد، گفتند. یا مثلا با ابراهیم گلستان، محمود دولت‌آبادی و بهاءالدین خرمشاهی درباره احمد محمود حرف زدم. قبل از این که حرف بزنم اصلاً نمی‌دانستم که مثلاً بهاءالدین خرمشاهی با احمد محمود ارتباط دارد و چقدر به کارهایش علاقه و چقدر نقد دارد. سپس این‌ها را همان گونه که خود گفته بودند، وارد روایت خود کردم؛ بدون کم و کاست. به زعم خودم کار جدید و نویی بوده است. من ندیدم کسی این کار را برای این چهره‌ها کرده باشد. طی این گزارش‌ها نوعی تاریخ‌نگاری هم اتفاق افتاده چون حدود ۳۰ نفر درباره این ۹ نفر حرف زدند.

این مجموعه کامل شده است؟

فقط مانده گزارش‌های مربوط به محمود شجاعی. دیگر هم نمی‌نویسم. خیلی اذیت‌کننده بود. ولی دیگر نمی‌خواهم ادامه بدهم.

عکاس خانه



کنسرت مهران مدیری به زودی برج میلاد

مهران مدیری کارگردان و بازیگر سینمای ایران که تجربه خوانندگی هم دارد و بارها کنسرت برگزار کرده است، به زودی در برج میلاد کنسرت خواهد گذاشت. صفحه اینستاگرام برنامه «دورهمی» با انتشار پستی از این رویداد هنری خبر داد.



بیتا فرهی بازیگر «رقص روی شیشه» شد

بیتا فرهی ستاره دهه‌های پیشین سینمای ایران به جمع چهره های سرشناس سریال شبکه نمایش خانگی «رقص روی شیشه» پیوست. این مجموعه به قلم طلا معتضدی در ۲۶ قسمت به نگارش درآمده است.

سینمای جهان

«رابرت ردفورد» از دنیای بازیگری خداحافظی کرد

«رابرت ردفورد» بازیگر و کارگردان کهنه‌کار آمریکایی اعلام کرد که پس از ۶۰ سال از دنیای بازیگری خداحافظی می‌کند. این بازیگر ۸۱ ساله گفت که پس از پایان بازی در فیلم «پیرمرد و اسلحه» از دنیای بازیگری کناره‌گیری می‌کند؛ اما فعالیت خود را در عرصه کارگردانی همچنان ادامه می‌دهد. وی درباره تصمیمش توضیح داد: به این نتیجه رسیدم که باید از بازیگری کناره‌گیری کنم؛ چون از سن ۲۱ سالگی مشغول ایفای نقش هستم و فکر کردم دیگر کافی باشد.

«ردفورد» ابتدا در فیلم رمانتیک «ارواح ما در شب» در کنار «جین فوندا» مقابل دوربین رفت و فیلم کمدی جنایی «پیرمرد و اسلحه» که در آن در نقش یک تبهکار به نام «فارست تاکر» بازی کرده نیز پس از رونمایی در جشنواره فیلم تورنتو از ماه سپتامبر اکران می‌شود.

«شهر دروغ‌ها» فیلم جدید جانی دپ از برنامه اکران بیرون کشیده شد

در حالی که فیلم «شهر دروغ‌ها» قرار بود ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور) در آمریکای شمالی روی پرده برود، این فیلم از برنامه نمایش برداشته شده و تاریخ جدیدی برای نمایش آن در نظر گرفته نشده است. نمایش فیلمی با بازی جانی دپ در نقش اصلی آن موضوع چالش برانگیزی است؛ زیرا ماه پیش گرگ بروکس مدیر لوکیشن فیلم، دادخواستی علیه جانی دپ به دادگاه فرستاد که مورد شکایت آن به آوریل ۲۰۱۷ بازمی‌گشت. این تریلر بر اساس حوادث واقعی ساخته شده است و داستان قتل توپاک شکور رپر مشهور و کریستوفر والاس ملقب به بیگی را روایت می‌کند که به فاصله ۶ ماه از هم رخ داد. این فیلم قرار بود در زمانی که می‌توانست چهل و ششمین سالگرد تولد بیگی باشد، نمایش داده شود. او ۹ مارس ۱۹۹۷ توسط یک قاتل ناشناخته در لس‌آنجلس کشته شد. «شهر دروغ‌ها» را برد فورمن بر مبنای فیلمنامه کریستین کونتراس و با اقتباس از رمانی نوشته رندال سالیوان ساخته است.

سینمای ایران

شهاب حسینی کاندید اصلی فیلم پوران درخشنده شد

پوران درخشنده کارگردان سینما در خصوص آخرین وضعیت فیلم سینمایی خود «هیس؛ پسرها فریاد نمی‌زنند!» گفت: هم‌اکنون در مرحله پیش‌تولید کار هستیم، در واقع پیش‌تولید فیلم را آغاز کرده‌ایم اما متاسفانه در حال حاضر سینما ضربه‌سنگینی خورده‌است؛ چرا که بازیگران اصلی که شاید تعدادشان به اندازه انگشتان دو دست نمی‌رسد همه مشغول فعالیت در سریال‌های شبکه نمایش خانگی هستند و ارشاد هم پشت سر هم مجوز این سریال‌ها را صادر می‌کند؛ آن‌هم در این فصل که فصل سینماست و فیلم‌هایی مثل فیلم من نیاز دارد بازیگر خلاقی در آن حضور داشته باشد تا جواب پس بدهد؛ به همین منظور منتظر هستم تا ببینم چه بازیگرانی را می‌توانم کاندید کنم. در حال حاضر شهاب حسینی را به عنوان بازیگر اصلی کار در نظر گرفته‌ام که باید بتوانم با او در این باره مذاکره کنم و اگر شرایط مساعد باشد، بازیگر اصلی در ذهن من، اوست.

پوران درخشنده فیلم سینمایی «هیس؛ دخترها فریاد نمی‌زنند» را نیز چندسال پیش کارگردانی کرده بود و شهاب حسینی در آن کار هم حضور داشت؛ همچنین آخرین ساخته درخشنده در سینما، فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» بود.

«تاریکی» به جشنواره‌ای در فرانسه رسید

فیلم کوتاه «تاریکی» به کارگردانی سعید جعفریان به جشنواره‌ای در فرانسه راه پیدا کرد. «تاریکی» بعد از حضور در بخش مسابقه فیلم کوتاه جشنواره کن ۲۰۱۸ و بیست و ششمین دوره جشنواره پرتغال، سومین حضور بین‌المللی خود را در هفدهمین جشنواره فیلم silhouette فرانسه تجربه می‌کند. این اثر که برای حضور در بخش رقابتی این جشنواره دعوت شده است، از تاریخ ۲۴ اوت تا ۱ سپتامبر برابر با ۲ تا ۱۰ شهریور در این رویداد جهانی حضور پیدا می‌کند. در خلاصه داستان این فیلم کوتاه با بازی مهسا علافر و بانیپال شومون آمده است: «سامان غیبش زده و صبا پا به تاریکی می‌گذارد. «تاریکی» ساخته سعید جعفریان و تهیه کنندگی رامبد جوان است.

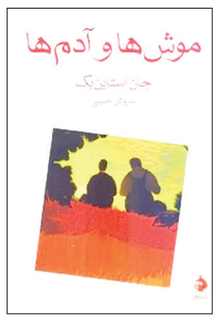
معرفی کتاب

تابوت‌های دست‌ساز



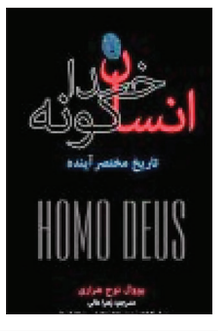
کتاب تابوت‌های دست‌ساز اثر ترومن استر کفوس پرسونز متولد ۱۹۲۴ در نیواورلئان، نویسنده‌ای آمریکایی است که با نام ترومن کاپوتی شناخته شده بود. از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به رمان صبحانه در تیفانی اشاره کرد. از دیگر آثار وی نمایش موزیکال «گلخانه»، «درخت شب» و «گذرگاه تابستان» است که مورد آخر سال‌ها پس از مرگش چاپ شد. داستان کتاب تابوت‌های دست‌ساز برگرفته از یک جنایت واقعی در آمریکاست که در سال ۱۹۷۵ اتفاق افتاده است.

موش‌ها و آدم‌ها



کتاب موش‌ها و آدم‌ها با عنوان اصلی Of Mice and Men رمان کوتاهی از جان استاین‌بک نویسنده آمریکایی است. جان استاین‌بک در سال ۱۹۶۲ به خاطر آثارش و به‌خصوص به خاطر دو کتاب «خوشه‌های خشم» و «موش‌ها و آدم‌ها» توانست برنده جایزه نوبل شود. رمان موش‌ها و آدم‌ها یکی از کتاب‌های حساس و تاثیر گذار در زمان خود بود و سال‌ها در آمریکا جزو کتاب‌های ممنوعه به شمار می‌رفت. داستان این کتاب در مورد جورج و لنی است. دو نفری که ویژگی‌های بسیار متفاوتی با هم دارند؛ اما هر دو کارگر کوچنده‌اند.

انسان خداگونه



تاریخ مختصر آینده کتابی در ادامه کتاب انسان خردمند اثر یووال نوح هراری است. انسان خردمند نشان داد که از کجا آمده‌ایم و انسان خداگونه نشان می‌دهد که به کجا می‌رویم. این اثر یووال نوح هراری نیز، درست مانند انسان خردمند، با استقبال بسیار زیادی روبه‌رو شد و همواره در لیست پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفته است. در ایران هم چند روز پس از چاپ اول در تیرماه ۹۷ (با شمارگان ۲۲۰۰ نسخه) چاپ دوم آن منتشر شد.